



فهرست مطالب

۲ وجوب مقدمه
۲ نظر چهارم نظر صاحب فصول
۲ مقامات نظریه وجوب مقدمه موصله
۲ مقام اول
۲ مقام دوم
۲ وجه اول
۲ تقریر اول در اشکال دور
۳ جواب
۳ تقریر دوم در اشکال دور
۳ جواب



بسم الله الرحمن الرحيم

وجوب مقدمه

نظر چهارم نظر صاحب فصول

مقامات نظریه وجوب مقدمه موصله

مقام اول

در بررسی نظریه صاحب فصول، بیان ادله قول صاحب فصول بود که گفتند مقدمه موصله واجب است قوی که کثیری از متأخرین به آن سمت تمایل پیدا کردند و در مجموع بیان این گونه بود که هم وجدان و هم منطق اقتضا می کند که مطلق مقدمه ضرورت و الزام نداشته باشد بلکه وجوب مقدمه برای فعالیت هایی است که در مسیر رسیدن به مقصد باشد و اگر در مسیر نباشد و مقصد بعداً محقق نباشد مقدمه ارزشی نخواهد داشت.

مقام دوم

این مقام درباره شواهد و دلایلی است که در مقابل قول مشهور می باشد که نظریه درستی هست اما در مقابل مرحوم نائینی و حائری که مقدمه حینیه را قائل هستند، دلایل و وجوهی بیان کردند که مورد بررسی قرار می دهیم.

وجه اول

مرحوم نائینی در اجود التقریرات و آیت الله وحید در التحقيق فی علم الاصول وجوه و اشکالی را ذکر کردند. مرحوم نائینی می فرمایند مقدمه موصله را قبول می کنیم، ولی اینجا اشکال دور پیش می آید که دارای تقریراتی هست.

تقریر اول در اشکال دور

وجوب مقدمه متوقف بر وجوب ذی المقدمه است و در این تردیدی نیست بنابراین وجوب غیري مقدمه متوقف بر وجوب نفسی ذی المقدمه است اما نظریه مقدمه موصله یک مطلب معکوسی درست می کند و مستلزم این است که وجوب ذی المقدمه متوقف بر مقدمه می شود و این همانی است که موجب دور می شود. بنا بر نظر صاحب فصول وجوب



ذی المقدمه متوقف بر وجوب مقدمه می‌شود. به این صورت که وقتی شما می‌گویید مقدمه واجب است، در فرضی که موصله باشد و موصله بودنش زمانی محقق می‌شود که ذی المقدمه باشد، اگر ذی المقدمه تحقق پیدا نکند و وجود پیدا نکند مقدمه وجوب پیدا نمی‌کند، منتهی از مقدمات مؤخر محسوب می‌شود بنابراین وجوب ذی المقدمه، وجوب مقدمی برای مقدمه است. وجوب مقدمه متوقف بر وجوب ذی المقدمه است که در این صورت، وجود او متوقف بر وجوب ذی المقدمه می‌شود، بنابراین وجوب آن هم متوقف بر وجوب ذی المقدمه می‌شود و این همان دور است. خلاصه این که وجوب مقدمه متوقف بر وجوب ذی المقدمه است، چراکه وجوب مقدمه ناشی از وجوب ذی المقدمه است و این دور است.

جواب

تقریری که در کلمات آقای خوئی و ... آمده این است که این حرف شما مورد قبول است، ولی در ذی المقدمه دو وجوب وجود دارد، وجوب نفسی که متوقف علیه وجوب مقدمه است و یک وجوب غیری داریم که متوقف بر وجوب ذی المقدمه است و این اشکالی همین که یک چیزی واجب شد مقدمه موصله آن واجب می‌شود مقدمه موصله هم وجوب آن متوقف بر وجوب غیری آن است ندارد دور درجایی است که متوقف و متوقف علیه دو چیز باشد، متوقف علیه وجوب نفسی ذی المقدمه است و متوقف بر وجوب ذی المقدمه وجوب غیری آن است و اجتماع وجوب نفسی و غیری هم اشکال ندارد مثلاً در نماز ظهر وجوب نفسی برای خودش و وجوب غیری برای نماز عصر می‌شود.

تقریر دوم در اشکال دور

وجود و تحقق ذی المقدمه زمانی است که مقدمه بیاید، پس وجود مقدمه متوقف بر وجود مقدمه است کون علی السطح وجودش بعد از پله بالا رفتن است، اگر بگوییم مقدمه موصله است، این موصله کی مقدمه موصله می‌شود؟ وقتی که ذی المقدمه بیاید، پس تحقق این مقدمه متوقف شد بر وجود و تحقق ذی المقدمه و تا آن نیاید، این محقق نمی‌شود. در تقریر دوم، دور روی وجودها است و در تقریر اول دور روی وجوبها بود.

جواب

وجود ذی المقدمه بر وجود مقدمه متوقف است، اما بنا بر قول موصله، وجود مقدمه توقف خارجی بر وجود ذی المقدمه ندارد که در خارج بر آن متوقف باشد بلکه در کشف از این است که این موصله است و باید بعداً بیاید و آمدن



شماره نبت: ۳۰۴۳

امر در رتبه بعد موجب نمی‌شود که این در رتبه قبل وجود داشته باشد، بلکه کشف از موصله بودنش است، نه این که امر محققش باشد.